

تحلیل ریخت‌شناسی رمان عامه‌پسند

زهره نجفی* / محسن محمدی فشارکی** / مینا کاظمی***

دریافت مقاله:

۱۳۹۵/۰۶/۲۹

پذیرش:

۱۳۹۶/۰۲/۰۴

چکیده

روایت‌شناسی به عنوان رویکردی نوین در متن‌شناسی با آرای ساختارگرایان پیوند اساسی یافته است. ولادیمیر پراپ، فولکلورشناس روسی، نخستین کسی است که با مطالعه ساختارگرایانه بر روی قصه‌های پریان روسی، روایت‌شناسی نوین را پایه‌گذاری کرد. او دریافت قصه‌های عامیانه با وجود تنوعی که در روایت دارند، از نظر انواع قهرمانان و عملکردها به هفت نوع شخصیت و سی و یک عملکرد که همواره با توالی یکسان از پی هم‌می‌آیند، محدود می‌شوند. دستاوردهای او در این پژوهش، آغازگر مسیری نو برای روایت‌شناسان پس از او شد. در این نوشته با توجه به ساختار ساده و قصه‌گون رمان‌های عامه‌پسند - به عنوان نمونه - چهار رمان پریچهر، یاسمین، یلدا و گندم مرتضی مؤدب‌پور را که از رمان‌های پرفروش در گونه عامه‌پسند هستند، برای بررسی قابلیت آنها با نظریه ریخت‌شناسی پراپ برگزیدیم. نتایج به‌دست‌آمده با مطالعات پراپ همخوانی دارد. تعداد شخصیت‌ها و عملکرد آنها محدود است و بر اساس توالی یکسانی از پی یکدیگر می‌آیند. در حقیقت رمان‌های عامه‌پسند - با وجود ناهمگونی‌ها و محدودیت‌هایی که در تطبیق با الگوی پراپ دارند - دارای قابلیت تطبیق ریخت‌شناسانه هستند.

کلیدواژه‌ها: روایت‌شناسی، ریخت‌شناسی، پراپ، رمان عامه‌پسند، مرتضی مؤدب‌پور.

z.najafi@ltr.ui.ac.ir

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان.

m.mohammadi@ltr.ui.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان.

mina_kzm@gmail.com

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول)

مقدمه

رمان‌های بازاری یا عامه‌پسند، از انواع رمان‌های هستند که در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه مخاطبان قرار گرفته‌اند و به محبوبیت بالایی دست یافته‌اند. خاستگاه این نوع رمان را باید در پاورقی‌هایی که پیش از انقلاب در مجلات به چاپ می‌رسید، جست‌وجو کرد. پاورقی‌نویسی تا سال‌های پیاپی مورد توجه نویسندگان زیادی بود که از طریق چاپ داستان‌های خود به صورت منظم در مجلات و روزنامه‌ها به محبوبیت زیادی دست یافته بودند. بیشتر این پاورقی‌ها با مضامینی همچون عشق، ناهنجاری‌های اجتماعی و مشکلات زنان و جوانان نگاشته می‌شدند و در میان مردم از محبوبیت زیادی برخوردار بودند. با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ شمسی، جریان پاورقی‌نویسی برای مدتی تعطیل شد، اما پس از آن در قالب رمان‌های عامه‌پسند، حیاتی دوباره یافت و نویسندگان بسیاری به ویژه زنان به عامه‌پسندنویسی روی آوردند و به محبوبیت فراوان دست یافتند. رمان عامه‌پسند به‌زودی به عنوان رقیبی جدی در برابر رمان نخبه‌پسند مطرح شد. به گونه‌ای که بسیاری از این رمان‌ها جایگاه پرفروش‌ترین رمان‌های دو دهه اخیر را به خود اختصاص داده‌اند. طبق آمار رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نام بسیاری از رمان‌های عامه‌پسند به عنوان رمان‌های پرفروش در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۰ به چشم می‌خورد. آمار وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی بیانگر این است که برخی رمان‌های عامه‌پسند حتی در یک دوره

۱۰ ساله ۳۸ بار تجدید چاپ شده‌اند (دنیای

اقتصاد، ۱۳۹۰: ۲۵).

در مورد پدیده رمان‌های عامه‌پسند دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. برخی از منتقدان به‌طور کلی قائل به حذف این آثار هستند و آنها را به عنوان آثاری فاقد ارزش که موجب تنزل سطح فکری مخاطب می‌گردد، ارزیابی می‌کنند. میرصادقی این نوع رمان را با صفاتی همچون «مبتذل و بی‌ارزش و پیش پا افتاده» توصیف می‌کند و مخاطبان آن را «از میان طبقات و گروه‌های پایین دست و کم‌سواد جامعه» می‌داند (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۴۷۳).

سعید سبزیان، رمان‌های عامه‌پسند را به عنوان آثاری که صرفاً به منظور لذت‌طلبی و مصرفی بارآوردن مخاطب تولید می‌شوند، ارزیابی می‌کند. او ژانر عامه‌پسند را حاصل تولید و تفکر «کارخانه‌ای» می‌داند. ژانری که به سرمایه‌داری متعلق است و منافع آن را تأمین می‌کند. او تولید رمان عامه‌پسند را جریانی بر مبنای تولید سرگرمی می‌داند. صنعتی که خواننده را فقط در جریان خواندن قانع می‌کند ولی بینشی به او نمی‌دهد، بنابراین از این جهت خواننده را متضرر می‌کند. (فره‌یختگان، ۱۳۹۰)

با این حال نگرشی یک‌جانبه به رمان‌های عامه‌پسند و نادیده گرفتن آنها با توجه به جایگاه تمامی اجزای تشکیل‌دهنده نظام فرهنگی و ادبی در تبیین دقیق وضعیت ادبی هر جامعه، مورد قبول همه صاحب‌نظران نیست. برای مثال، محققانی یافت می‌شوند که از رمان عامه‌پسند

آثار می‌تواند گامی در جهت شناسایی بهتر این آثار و عوامل مؤثر بر جذب مخاطبان باشد. روایت‌شناسی دانش نوینی است که با تأثیر گرفتن از زبان‌شناسی شکل گرفت. در این میان زبان‌شناسان مکتب ساختارگرایی نقش اساسی داشتند. سرمایه فکری این مکتب با وجود سرکوب شدن توسط حکومت شوروی به مکاتبی همچون نقد نو در نقد ادبی، زبان‌شناسی همزبانی در زبان‌شناسی و مکتب توضیح و تفسیر متن در فرانسه اثر گذاشت (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

ولادیمیر پراپ^۲ فولکلورشناس روس، با مطالعه صد قصه عامیانه روس با تکیه بر ساختار، ثابت کرد که این صد قصه با وجود فراوانی و وجود شخصیت‌های گوناگون از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند که قابلیت تقسیم‌بندی و گنجانیدن در قالب مشخصی را دارند. مطالعات او که در سال ۱۹۲۸ میلادی در کتاب ریخت‌شناسی پریان منتشر شد، به عنوان نخستین پژوهش روایت-شناسانه اهمیت فراوان دارد، زیرا او اثبات کرد که می‌توان قصه‌ها را در قالب مشخصی گنجانند و برای آن قوانینی تدوین کرد.

این مقاله کوشیده است الگوی ریخت-شناسی‌ای را که پراپ در بررسی قصه‌های عامیانه به کار گرفت، بر رمان‌های عامه‌پسند بیازماید. به عنوان نمونه چهار رمان پریچهر، یاسمین، یلدا و گندم از مرتضی مؤدب‌پور را که جزء پرفروش‌ترین و محبوب‌ترین رمان‌های دهه اخیر هستند، برگزیدیم. در همین راستا این نوشته در پی

دفاع می‌کند و برای آن جایگاه مثبتی قائل می‌شوند. علی احمدی مطالعه رمان‌های پرفروش را از چند نظر حائز اهمیت می‌داند (۱۳۸۶: ۱۴). از جمله اینکه در این رمان‌ها نیت و معانی و باورداشت‌های خوانندگان بازنمایی می‌شوند. همچنین رمان عامه‌پسند باعث پیدایش جریان‌های فرهنگی خاص می‌شود که از حیث ادبیات، به تولید سبک‌های ادبی و از حیث فرهنگی، زمینه‌ساز تحولات عمیق در فرهنگ مردم است و در نهایت، امکان شناخت بحران‌ها و تغییرات را فراهم می‌کند.

دریک لانگهرست^۱ تغییر در دیدگاه محققان نسبت به رمان عامه‌پسند را حاصل آگاهی جدید آنان درباره اهمیت این نوع گفتمان فرهنگی می‌داند. از دیدگاه او «خواندن رمان‌های عامه‌پسند دیگر عموماً کاری هم‌سنخ با شرارت پنهانی تلقی نمی‌شود که اذعان به انجام دادن آن مایه شرمساری باشد. همچنین دیگر نمی‌توان داستان عامه‌پسند را نوعی ماده مخدر دانست که فقط خوانندگان غیر روشنفکر آن را مصرف می‌کنند» (استوری، ۱۳۸۳: ۲).

در هر حال فروش بالای این رمان‌ها و رقابت شدید این آثار با جریان نخبه‌پسندنویسی، ضرورت توجه گسترده و علمی به این آثار را می‌طلبد و حذف آنها از جریانات نقد و پژوهش‌های ادبی در حقیقت نادیده گرفتن سلیقه مخاطب انبوه این نوع را به دنبال خواهد داشت. در این جهت توجه به جنبه‌های ساختاری این

2. Vladimir Propp

1. Drik Longherst

رمان‌های عامه‌پسند در تمامی اقصای اجتماعی حضور دارند و تنوع سنی، تحصیلی و شغلی در خریداران این رمان‌ها به چشم می‌خورد.

کیان‌پورو همکاران (۱۳۹۲)، به منظور بررسی میزان و عوامل مؤثر بر گرایش مخاطبان به رمان عامه‌پسند، با انجام پژوهشی میدانی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دانشگاه اصفهان، موارد فوق را به طور خاص بر روی دانشجویان این دانشگاه در سه سطح ویژگی‌های ظاهری، ادبی و محتوایی بر روی عواملی همچون جنس، رشته، مقطع تحصیلی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی سنجیدند. نتایج این پژوهش، گرایش به رمان عامه‌پسند را در میان جامعه آماری مورد نظر متوسط رو به بالا ارزیابی کرد.

میرفخرایی و فرهنگی (۱۳۸۴) در پژوهشی با بررسی ۲۱ رمان پر فروش عامه‌پسند در دهه ۸۰، با استفاده از مفاهیم تحلیل گفتمانی به بررسی جایگاه زنان در این رمان‌ها پرداختند. نتایج پژوهش مذکور، بیانگر آن است که واگذاری نقش اصلی به زنان به معنای مقابله با برداشته‌های غالب از نقش زن در جامعه و خانواده نیست، بلکه این رمان‌ها شاید به دلیل خواسته‌های خوانندگان خود و شاید به مثابه بخشی از ابزارهای تعلیم و تربیت اجتماعی، گفتمانی مردسالارانه را در چهارچوبی زنانه منعکس می‌کنند.

پژوهشی که به طور خاص به بررسی ادبی رمان‌های عامه‌پسند پرداخته است، پژوهشی است که توسط صفایی و مظفری (۱۳۸۸) بر روی دو بیست

بررسی میزان قابلیت تطبیق الگوی پراپ با رمان‌های مورد نظر به عنوان نمونه‌ای از رمان‌های عامه‌پسند بر مخاطب و به دنبال بازیابی شخصیت‌ها، عملکردها و نوع شخصیت‌های موجود در رمان‌های مذکور بر طبق نظریه مورد نظر است.

پرسش‌های پژوهش

۱. شخصیت‌ها و نوع آنها در رمان‌های مؤدب‌پور کدام‌اند؟
۲. عملکردها و خویشکاری‌های شخصیت‌ها چگونه هستند؟
۳. رمان‌های مورد نظر به عنوان نمونه‌ای از رمان‌های عامه‌پسند تا چه اندازه قابلیت تطبیق با الگوی ریخت‌شناسی پراپ را دارند؟

پیشینه پژوهش

با توجه به جایگاه پررنگ رمان‌های عامه‌پسند در میان قشر کتاب‌خوان، ضرورت توجه به این آثار بارزتر شده است. از این رو، پژوهش‌های چندی در مورد این نوع رمان صورت گرفته است. با این حال این پژوهش‌ها در بُعد گسترده بیشتر به بررسی ابعاد جامعه‌شناسانه این آثار پرداخته‌اند. برای مثال، محمدرضا جوادی یگانه و آسیه ارحامی (۱۳۹۰) براساس پژوهشی کیفی با مراجعه به شهر کتاب تهران و مصاحبه با زنان علاقه‌مند به ژانر عامه‌پسند، به بررسی رفتارهای خوانشی زنان پرداخته‌اند. نتیجه به دست آمده بیانگر این حقیقت است که زنان خواننده

حوزه داستان‌نویسی نیز اثر گذاشت که با شکل-گیری دانش روایت‌شناسی، موجب تحول درخشانی در مطالعه متون شد. نظرات شکل-گرایانی همچون یاکوبسون^۳، آیخن باوم^۴ و ویکتور شکلوفسکی^۵ و دیگران تأثیر فراوان بر نظریه‌های روایت‌شناسی گذاشت.

با آنکه ریشه‌های روایت‌شناسی را می‌توان در دوران باستان و کتاب *بوطیقای* ارسطو یافت، اما روایت‌شناسی مدرن با مطالعات ولادیمیر پراپ آغاز شد. هرچند اصطلاح روایت‌شناسی را نخستین بار، تزوتان تودوروف^۶ در کتاب *دستور زبان دکامرون* برای علم مطالعه قصه به کار برد.

از آنجا که عرصه روایت از یک سو به اسطوره می‌رسد که کوتاه، ساده، همگانی و شفاهی است و از سوی دیگر، به رمان که پیچیده، طولانی و مکتوب است، عرصه‌ای بسیار عالی برای مطالعات ساختارگرایانه به شمار می‌رود (اسکولز، ۱۳۸۳: ۹۱). تعریف‌های موجود از روایت‌شناسی براساس نظرات هر مکتب، متفاوت است. رولان بارت معنایی کلی از روایت در نظر دارد و آن را به تمام حوزه‌های فرهنگ بشری همچون ادبیات داستانی، نمایش، رقص، سینما و تاریخ تسری می‌دهد.

رمان عامه‌پسند پرفروش در دو دهه اخیر صورت گرفته است. در این پژوهش، ویژگی‌های رمان-های عامه‌پسند در سه بُعد ویژگی‌های ظاهری، عناصر داستانی و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتیجه این پژوهش بیانگر این است که رمان‌های مورد بررسی توجه فراوانی در طرح اصلی خود به ساختار ذهنی خواننده دارند.

با وجود توجه به رمان عامه‌پسند و درک ضرورت پرداختن به این آثار، کمبود پژوهشی که به طور خاص، بررسی روایت‌شناسانه این آثار را مطمح نظر خود قرار داشته باشد، در پژوهش‌های مربوط به این حوزه، احساس می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای با مطالعه کتب و مقالات در حیطه مباحث مربوط به روایت‌شناسی و رمان عامه‌پسند صورت گرفته است. شخصیت‌ها، عملکرد آنها و نوع‌شان به منظور ایجاد انسجام بیشتر به صورت جدول‌هایی نشان داده شدند.

روایت و روایت‌شناسی

روایت‌شناسی از دانش‌های نو در پژوهش‌های ادبی معاصر است که از زبان‌شناسان روس و مکتب شکل‌گرایی بسیار تأثیر گرفته است. شکل-گرایان، ادبیات را به عنوان مسئله‌ای زبانی دارای قابلیت بررسی زبان‌شناسانه می‌دیدند و در بررسی اثر ادبی تنها به فرم آن توجه داشتند. مطالعات آنها در آغاز بر روی شعر صورت گرفت اما بر

3. Jacobson
4. Ykhn Baum
5. Viktor Sheklovsky
6. Tzvetan Todorov

هستند، «کارکرد» است. یعنی کنش شخصیت‌های روایت از جهت اهمیتی که در پیشبرد جریان داستان دارد، یا به تعبیر ریمون کنان هرچه که در داستان اتفاق بیفتد و باعث تغییر وضعیت امور و تبدیل آن به وضعیت دیگر می‌شود (صالحی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۹).

ب) **کنشگر:** کنشگرها به موازات واحدهای کارکردی از لحاظ ساختار روایت اهمیت دارند. فهرست کردن شخصیت‌ها به عنوان کنشگر در روایت‌شناسی امروز جایگاه مهمی یافته است و روایت‌شناسانی چون تودوروف و گرماس در نظریه‌های تحلیل ساختاری خود به آن توجه نشان دادند (همان: ۲۰).

ج) **توالی:** به معنای چینش سازه‌های روایت است. توالی بر دو بعد زمان و علیت دلالت می‌کند. بدین معنی که رویدادهای داستان براساس نظم علی و معلولی در داستان از پی یکدیگر می‌آیند؛ نظمی که اساس روایت است. در روایت‌های ساده میان زمان و علت ارتباطی نزدیک برقرار است، اما در روایت‌های پیچیده زمان از علت فاصله می‌گیرد. (همان)

شناخت روایت بر منتقد ادبی و نویسنده تأثیرگذار است. منتقد ادبی را در نقد و تحلیل داستان و عناصر آن و نویسنده را در آفرینش داستان یاری می‌کند.

ولادیمیر پراپ

ولادیمیر پراپ، زبان‌شناس روس (۱۹۷۶-۱۸۹۵م). نخستین کسی است که در سال ۱۹۲۸ با مطالعه دقیق بر روی صد قصه عامیانه روس که

در ساده‌ترین تعریف می‌توان روایت را متنی دانست که قصه‌گویی دارد و قصه‌ای را تعریف می‌کند. اسکولز و کلاگ در کتاب ماهیت روایت، روایت را کلیه متون ادبی می‌دانند که «دارای دو خصوصیت وجود قصه و حضور قصه‌گو است» (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۰).

«روایت نقل رشته‌ای از حوادث واقعی یا تاریخی یا خیالی است، به گونه‌ای که ارتباطی میان آنها وجود داشته و این حوادث بازتاب یکدیگر باشند و در میان آنها پیوندی زمانی و انگیزه‌ای وجود داشته باشد» (میرصادقی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

مایکل تولان، روایت را توالی ملموسی از حوادثی می‌داند که به صورت غیر تصادفی کنار هم آمده‌اند (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۰). براساس این تعریف می‌توان دو ویژگی روایت، یعنی پی‌درپی بودن حوادث و هدفمند و با انگیزه بودن آنها را دریافت؛ حوادثی که باید در ارتباط با یکدیگر قرار داشته باشند.

روایت به‌عنوان واحدی روایی از اجزایی تشکیل شده است که در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند و چارچوب روایت را شکل می‌دهند:

الف) **واحد بنیادین:** هر روایت از عناصری تشکیل شده است که کوچک‌ترین آن را می‌توان واحد بنیادین نامید. اما باید توجه داشت که این واحد بنیادین نزد هر روایت‌شناس و در هر مکتبی تعریف متناسب با برداشت آن از روایت دارد. این واحد بنیادین از نظر پراپ، راکلان و کمبل و همه روایت‌شناسانی که در بررسی ساختاری روایت، در پی دست‌یافتن به ساختار بنیادین داستان

بررسی قرار داد. شناسایی کوچک‌ترین واحد ساختاری، عنصر بنیادین روایت است که پراپ آن را «کارکرد» یا «خویشکاری» می‌نامد. «خویشکاری یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه‌نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود» (پراپ، ۱۳۶۸: ۵۳).

پراپ در قصه‌های مورد نظر، ۳۱ کارکرد را مشخص کرد که با نظمی یکسان تکرار می‌شوند. هر چند وجود تمام این کارکردها در یک قصه الزامی نیست، اما توالی آنها همواره به یک صورت در تمام قصه‌ها رعایت می‌شود. او برای بررسی دقیق این کارکردها هر یک را تعریف و برای هر یک عنوانی انتخاب کرد و برای هر یک با استفاده از الفبای روسی، علامتی را به عنوان نماد در نظر گرفت و علاوه بر آن کارکردهای فرعی را نیز مشخص کرد. به طور مثال عنصر شر را با حرف A مشخص کرد و زیرمجموعه‌های آن را با A^1 ، A^2 و... مشخص کرد. به عنوان نمونه می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

۱. یکی از اعضای خانواده، خانواده را ترک می‌کند. عنوان: دور شدن
۲. قهرمان از انجام کاری نهي می‌شود.
۳. ممنوعیت نقض می‌شود.
و همان‌طور ادامه دارد تا....
۳۰. شخص خبیث به مجازات می‌رسد.
۳۱. قهرمان، ازدواج می‌کند و به پادشاهی می‌رسد (همان: ۹۸-۵۱).

توسط افاناسی‌یف^۷ جمع‌آوری شده بود، پرداخت و نتیجه عمده مطالعات خود را در کتاب ریخت-شناسی قصه‌های پریان منتشر کرد. نظرات او با تأخیر بسیار در حدود سی سال بعد در ۱۹۵۸ میلادی با ترجمه آثارش به انگلیسی مورد توجه غربیان قرار گرفت و با وجود گذر سالیان دراز از شکل‌گیری این نظریه هنوز روش وی معتبر و کارآمد است (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۵۵) و نقش مهمی در ظهور ساختارگرایی فرانسه ایفا کرد (مارتین، ۱۳۸۲: ۱۲) و می‌توان ادعا کرد نظریه تحلیل ساختاری او به‌رغم میراثی که از ارسطو تا به امروز به‌جا مانده، آغازگر تحلیل ساختاری قصه بوده است (اسکولز، ۱۳۷۹: ۹۱).

نظریه ریخت‌شناسی پراپ

پراپ، نظریه روایت‌شناسی خود را «ریخت-شناسی» نامید. اصطلاحی که از علم گیاه‌شناسی گرفته شده است و در آن به بررسی و شناخت اجزاء تشکیل‌دهنده گیاه و ارتباط آنها با یکدیگر و با کل گیاه می‌پردازد (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۷). یعنی ساختمان گیاه را مورد بررسی قرار می‌دهد و این واژه از اصطلاحات زیست‌شناسی و دانشی است که از ساختمان و شکل ظاهری موجودات زنده (اعم از گیاهان و جانوران) و غیرزنده بحث می‌کند (سرامی، ۱۳۸۶: ۳). پراپ نیز در پژوهش خود، ساختمان قصه‌ها را مورد توجه قرار داد. محققان پیش از او قصه‌ها را براساس محتوا یا شخصیت بررسی کرده بودند، اما از نظر پراپ، قصه‌ها قابلیت بررسی ساختاری را به‌تنهایی دارند. از این‌رو، او بن‌مایه‌های قصه را مورد

ثابت آغاز می‌شود پس از آن عاملی، تعادل آغازین را به هم می‌ریزد و در نهایت، داستان به حالت تعادل اولیه باز می‌گردد (یا نمی‌گردد).

پراپ نتیجه مطالعات خود را در چهار اصل کلی بیان کرد:

۱. خویشکاری‌های اشخاص قصه عناصر ثابت و پایدار را در یک قصه تشکیل می‌دهند.
۲. شماره خویشکاری‌هایی که در قصه‌های پریان آمده، محدود است.
۳. توالی خویشکاری‌ها همیشه یکسان است.
۴. همه قصه‌های پریان از جهت ساختمانشان از یک نوع هستند» (همان: ۵۶-۵۳).

شباهت ساختاری رمان‌های عامه‌پسند با قصه‌ها

ساختار رمان‌های عامه‌پسند در موارد گوناگون، شباهت‌های بسیار با قصه‌ها دارد و به نظر می‌رسد این رمان‌ها بیش از پیچیدگی‌هایی که رمان امروز را به مسیرها و انواع گوناگون می‌کشاند، سادگی و دوری از پیچیدگی را در ساختار و محتوا حفظ کرده‌اند. از میان ویژگی‌های ۱۱ گانه‌ای که جمال میرصادقی در «ادبیات داستانی» به عنوان ویژگی‌های عمده قصه‌های عامیانه بیان می‌کند (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۷۲-۶۱)، پیرنگ ضعیف بر مبنای شبکه استدلالی سست، مطلق‌گرایی در پرورش شخصیت‌ها، کلی‌گرایی و نمونه کلی، ایستایی شخصیت‌ها، همسانی قهرمان‌ها در سخن گفتن و نقش سرنوشت در پیشبرد حوادث از ویژگی‌هایی هستند که در بیشتر رمان‌های عامه‌پسند به عنوان عناصر مشترک شناخته می‌شوند.

علاوه بر کارکردهای ۳۱ گانه که از عناصر ثابت در قصه‌های عامیانه هستند، پراپ عملکرد کنشگران را در هفت حوزه تقسیم‌بندی کرد:

۱. شریر
۲. بخشنده
۳. یاریگر
۴. شاهزاده خانم
۵. گسیل‌دارنده
۶. قهرمان
۷. قهرمان دروغین (همان: ۱۶۲-۱۶۱).

هر یک از این شخصیت‌ها دارای حوزه عملکرد مخصوص به خود است. برای نمونه حوزه عملیات قهرمان شامل رفتن به جست‌وجو، واکنش در برابر خواست‌های بخشنده و عروسی است. (همان: ۱۶۲)

نکته قابل توجه در مورد نقش‌های هفت-گانه، قابلیت ایفای چند نقش توسط آنهاست. به این معنی که شخصیتی می‌تواند هم نقش بخشنده و هم یاری‌دهنده را ایفا کند. علاوه بر این، یک نقش را چندین نفر می‌توانند ایفا کنند. همچنین، در صورت وجود نداشتن نقشی در داستان، صورت‌های آن به شخصیت دیگر منتقل می‌شود. مثلاً «اگر در قصه‌ای بخشنده‌ای نباشد، صورت‌هایی که وی در آنها ظاهر می‌شود به شخصیت دیگر قصه که بلافاصله پس از وی قرار دارد، یعنی به یاریگر، منتقل می‌شود» (همان: ۱۷۰).

روایت در نظر پراپ، متنی است که تغییر وضعیت را از حالت پایدار به حالت ناپایدار و بازگشت دوباره آن را به حالت پایدار بیان می‌کند. بر این اساس، روایت در نظر او با وضعیتی

خلاصهٔ رمان‌ها

در بررسی رمان‌های مورد نظر باید به وجود دو روایت اصلی و فرعی توجه کرد. روایت اصلی در ابتدا با مقدمه‌چینی و وقوع حوادثی کم‌اهمیت آغاز می‌شود و در ادامه با ورود شخصیتی جدید به داستان، روایت فرعی آغاز می‌گردد و این دو روایت به موازات یکدیگر پیش می‌روند.

پریچهر

روایت اصلی: فرهاد به فرگل، دختر دوست پدرش دل می‌بندد و با یکدیگر قرار ازدواج می‌گذارند، اما مشخص شدن توموری در مغز فرگل، ازدواج آنها را با مشکل روبه‌رو می‌کند. فرهاد، فرگل را برای معالجه به خارج از کشور می‌برد اما او در زیر عمل جراحی جان می‌سپارد.

روایت فرعی: پریچهر، پیرزنی که به‌طور تصادفی با فرهاد و هومن آشنا می‌شود، داستان زندگی خود را این‌گونه برای آن دو تعریف می‌کند:

او در سن نه سالگی به اجبار پدرش با مردی حدوداً چهل‌ساله ازدواج می‌کند که او را بسیار مورد آزار قرار می‌دهد. پس از جدا شدن از او با مرد دیگری ازدواج می‌کند که پیش از او ازدواج کرده بوده است و چهار دختر دارد و این موضوع را از پریچهر پنهان می‌کند. دختر بزرگ هووی پریچهر که از او کینه به‌دل دارد، با گذاشتن سیم لخت برق در اتاق، موجب مرگ پسر کوچک پریچهر می‌شود. پس از آن پریچهر، خود را آتش می‌زند و شوهرش به بهانهٔ دیوانگی او را به تیمارستان می‌برد.

یاسمین

روایت اصلی: بهزاد، پسری فقیر، به دختری ثروتمند به نام فرنوش دل می‌بندد، اما مادر فرنوش که زن هوسبازی است، به بهزاد پیشنهاد می‌دهد که فرنوش را رها کند و با انتخاب خود او به ثروت برسد، اما بهزاد پیشنهاد او را نمی‌پذیرد. فرنوش که از ماجرا آگاه شده است برای گرفتن تصمیم درست به ویلایشان در شمال می‌رود اما در آنجا مورد تجاوز پسرخاله‌اش قرار می‌گیرد و پس از آن خود را به دریا می‌اندازد. بهزاد پس از آگاهی از سرنوشت فرنوش، به شمال رفته، خود را در دریا غرق می‌کند.

روایت فرعی: آقای هدایت، پیرمردی که با فرنوش تصادف می‌کند، داستان زندگی خود را این‌گونه برای بهزاد تعریف می‌کند:

او که کودکی خود را در یتیم‌خانه گذرانده است، به‌طور اتفاقی با خانم اکرمی، معاون یتیم‌خانه، که زن پلیدی است درگیر می‌شود و او را می‌کشد. پس از آن با کمک رضا که در دیوانه‌خانه‌ای نزدیک یتیم‌خانه زندگی می‌کند ویلون می‌آموزد و آنجا را برای نوازندگی ترک می‌کند. در آنجا با موفقیت بسیار روبه‌رو می‌شود. ابتدا در یک عرق‌فروشی به نوازندگی می‌پردازد و در آنجا با هاسمیک آشنا می‌شود و می‌خواهد با او ازدواج کند، اما پی می‌برد که او خودفروشی می‌کند. هاسمیک که مجبور به انجام این کار است، پس از آگاهی از اینکه هدایت، موضوع را می‌داند، خودکشی می‌کند. پس از این ماجرا، هدایت به معالجهٔ دختر بیماری به نام یاسمین که در کاروانسرای محل اقامت او زندگی می‌کند، می‌

را با او گذرانند، او رها می‌کند. شیوا متوجه می‌شود که توسط روزبه به ایدز مبتلا شده است و برای انتقام گرفتن از او و مردان فاسد به مبتلا کردن آنها به ایدز می‌پردازد، اما با پشیمانی از کارهای گذشته، خود را می‌کشد.

گندم

روایت اصلی: سامان به دخترعمه خود، گندم، دل می‌بندد، اما دخترعمه دیگر او، دلارام، که به سامان علاقه دارد، با گذاشتن نامه‌ای در اتاق گندم که او را دختری سر راهی معرفی می‌کند، موجب فرار گندم از خانه می‌شود و سامان و پسر عمویش، کامیار، بسیار می‌کوشند تا سرانجام او را می‌یابند.

روایت فرعی: سامان و کامیار، پسری را که به گمان آنها برادر گندم است، می‌یابند و با نزدیک شدن به او از سرگذشت او آگاه می‌شوند. پسر که نصرت نام دارد، در خانواده فقیری رشد کرده است و مادر و یکی از خواهران خود را بر اثر بیماری و نداشتن هزینه مداوا از دست داده است. پدرش یکی از فرزندان خود را بر اثر فقر به خانواده‌ای ثروتمند فروخته است. نصرت برای تأمین زندگی خود و دیگر خواهرش به فروش مواد مخدر روی می‌آورد و در پایان چون دیگر افرادی به زندگی ندارد خودکشی می‌کند، اما پیش از مرگ، به سامان و کامیار می‌گوید که فرزندی که پدرش به آن خانواده فروخته است، پسر بوده است و نه دختر؛ پسری که خالی در زیر بغل دارد و این از مشخصات کامیار است.

پردازد و به او دل می‌بندد و پس از آنکه از علاقه او نیز به خود آگاه می‌شود، با او ازدواج می‌کند و از او صاحب پسری به نام علی می‌شود. یاسمین که صدای بسیار زیبایی دارد به تحریک همسایه‌شان خانه را ترک می‌کند تا به خوانندگی روی آورد. پس از چند سال، از کرده خود پشیمان می‌شود و برای مجازات کردن خود، خود را به درون دره‌ای می‌اندازد. پسر او علی که آلبوم عکس‌های مادرش را که نمایش گذشته اوست، با خوردن مرگ موش خودکشی می‌کند.

یلدا

روایت اصلی: سیاوش به یلدا، دل می‌بندد و پس از راضی کردن خانواده او با هم نامزد می‌کنند، اما یلدا و خانواده‌اش به طرز ناگهانی، کشور را ترک کرده، به خارج بازمی‌گردند. نیما، دوست سیاوش متوجه می‌شود که یلدا جواب آزمایشی را که برای ازدواج انجام داده بودند، گرفته و فهمیده است که ایدز دارد.

روایت فرعی: شیوا، دختری که در پارک با سیاوش و نیما آشنا می‌شود، گذشته تلخی داشته است. پدر و مادرش او را از رفتن به مدرسه منع کرده‌اند و به اجبار او را وادار به ازدواج با جوانی عامی به نام جواد کرده‌اند. شیوا پس از آنکه جواد دو بار بر اثر داشتن مواد مخدر به زندان می‌افتد، از او جدا می‌شود و برای گذران زندگی به کار کردن در خانه‌های مردم می‌پردازد. در یکی از این خانه‌ها با پسری به نام روزبه آشنا می‌شود که او را به بهانه ازدواج می‌فریبد و پس از آنکه مدتی

تطبیق رمان‌های مؤدب‌پور با نظریه ریخت‌شناسی پراپ
ساختار رمان

جدول ۱. ساختار رمان در روایت اصلی

عنوان رمان	تعادل اولیه	بر هم خوردن تعادل	تعادل مجدد
پریچهر	فرهاد در کارخانه پدرش به کار مشغول می‌شود. فرهاد، عاشق فرگل، دختر دوست پدرش می‌شود.	فرگل به بیماری سختی مبتلا می‌شود.	فرگل بر اثر بیماری می‌میرد.
یاسمین	بهزاد، پسری فقیر است. بهزاد، به فرنوش، دختری ثروتمند دل می‌بندد.	مادر فرنوش، مانع ازدواج آنها می‌شود. فرنوش به خاطر دوری از مادر به شمال می‌رود. پسرخاله فرنوش به او تجاوز می‌کند. فرنوش خودکشی می‌کند.	بهزاد که از خودکشی فرنوش آگاه می‌شود، خود را در دریا غرق می‌کند.
یلدا	سیاوش، به یلدا که تازه از خارج برگشته است، دل می‌بندد.	یلدا متوجه می‌شود که به ایدز مبتلا شده است.	یلدا بدون اطلاع سیاوش به خارج برمی‌گردد.
گندم	سامان به دخترعمه‌اش گندم دل می‌بندد.	گندم که فکر می‌کند، سر راهی است، از خانه فرار می‌کند. سامان و کامیار به دنبال او می‌گردند و او را می‌یابند.	سامان و کامیار متوجه می‌شوند که کامیار، بچه سر راهی است. سامان و کامیار به خارج از کشور می‌روند.

جدول ۲. ساختار رمان در روایت فرعی

عنوان رمان	تعادل اولیه	بر هم خوردن تعادل	تعادل مجدد
پریچهر	پریچهر با پدر و نامادری زندگی می‌کند.	به اجبار در ۹ سالگی با مردی ۴۰ ساله ازدواج می‌کند. در خانه همسر، مورد آزار قرار می‌گیرد. با کمک سهراب خان، از همسرش جدا می‌شود. با مردی ازدواج	پریچهر، پس از چند سال تنهایی می‌میرد.

	می‌کند که متوجه می‌شود قبلاً ازدواج کرده و ۴ دختر دارد. پسر توسط دختر هوویش کشته می‌شود. پریچهر، مدتی در بیمارستان روانی بستری می‌شود.		
هدایت در یتیم‌خانه زندگی می‌کند.	هدایت، مسئول یتیم‌خانه را می‌کشد. به کمک رضا از آنجا فرار می‌کند. با دختری به نام یاسمین ازدواج می‌کند. همسرش به او خیانت می‌کند و پس از پشیمانی، خود را می‌کشد. پسرش به خاطر آگاهی از گذشته مادرش خودکشی می‌کند.	یاسمین	
شیوا در خانواده‌ای بی-فرهنگ زندگی می‌کند.	در ۱۷ سالگی به اجبار خانواده، ازدواج می‌کند. شوهرش دو بار به زندان می-افتد. شیوا مجبور است در خانه‌های مردم کار کند. توسط پسری به ایدز مبتلا می‌شود. برای انتقام گرفتن از مردها، به مبتلا کردن آنها به ایدز می‌پردازد.	یلدا	بر اثر عذاب وجدان، خودکشی می‌کند.
نصرت در خانواده‌ای فقیر زندگی می‌کند. مادر و خواهرش را به خاطر فقر، از دست می‌دهد.	نصرت مجبور است که کار کند. برای امرار معاش، به خرید و فروش مواد مخدر و کارهای خلاف دیگر روی می‌آورد. معتاد می‌شود.	گندم	به خاطر عذاب وجدان، خودکشی می‌کند.

شخصیت‌ها، عملکردها و نوع نقش در
 رمان‌های مؤدب‌پور
 شخصیت‌های موجود در رمان‌های مورد
 کردیم:
 جدول ۳. شخصیت‌ها، عملکرد و نوع آنها در روایت اصلی

عنوان رمان	شخصیت‌ها	عملکرد	نوع شخصیت
پریچهر	فرهاد	ناکامی در عشق	قربانی
	فرگل	ابتلا به بیماری و مرگ	قربانی
	هومن	دوست و همراه فرهاد	یاربگر

شیر	خیانت به پدر هومن	مادر هومن	
قربانی	ناکامی در عشق و خودکشی	بهزاد	یاسمین
قربانی	مورد تجاوز قرار گرفتن و خودکشی	فرنوش	
یارِ یگر	دوست بهزاد	کاوه	
شیر	تجاوز به فرنوش	بهرام	یاسمین
شیر	خیانت به همسر	مادر فرنوش	
قربانی	مبتلا شدن به ایدز	سیاوش	یلدا
قربانی	مبتلا شدن به ایدز	یلدا	
یارِ یگر	دوست سیاوش	نیما	
قربانی	جدا ماندن از معشوق	سامان	گندم
قربانی	جدا ماندن از معشوق	گندم	
یارِ یگر/قربانی	دوست و همراه سامان/بچه سر راهی	کامیار	
شیر	برملا کردن بچه سر راهی بودن گندم	دلارام	

جدول ۴. شخصیت‌ها، عملکرد و نوع آنها در روایت فرعی

عنوان رمان	شخصیت	عملکرد	نوع شخصیت
پریچهر	پریچهر	ازدواج‌های ناخواسته و مرگ فرزند	قربانی
	فرج‌الله	آزار دادن پریچهر	شیر
	ام‌الله	مخفی کردن ازدواج قبلی از پریچهر و رها کردن او در تیمارستان	شیر
	عزت	داشتن هوو/ همکاری با پریچهر	قربانی
	عشرت	کشتن سعید	شیر
	پدر پریچهر	بی‌توجهی و آزار خانواده	شیر
	مادر پریچهر	مورد بی‌توجهی همسر قرار گرفتن	قربانی
	سهراب‌خان	نجات پریچهر از دست نامادری و همسر	یارِ یگر
	سعید	برق‌گرفتگی و مرگ در کودکی	قربانی
آقای هدایت	آقای هدایت	خیانت همسر و از دست دادن فرزند	قربانی
	خانم اکرمی	ستم به بچه‌ای یتیم‌خانه	شیر
	هاسمیک	مورد سوءاستفاده قرار گرفتن	قربانی
	رضا	آموزش ویلون به هدایت و بخشیدن	یارِ یگر/ بخشنده

	ویلون به او		یاسمین
قربانی/شریر	کودکی سخت /خیانت به همسر	یاسمین	
شریر	فریب یاسمین برای ترک منزل	مرد همسایه	
قربانی	خودکشی بخاطر دانستن گذشته مادرش	علی	
قربانی/شریر	ازدواج ناخواسته، طلاق و ابتلا به ایدز/مبتلا کردن مردان به بیماری ایدز	شیوا	یلدا
شریر	آزار دادن شیوا	جواد	
شریر	فریب دادن شیوا و مبتلا کردن او به ایدز	روزبه	
شریر	جلوگیری کردن از ادامه تحصیل شیوا و مجبور کردن او به ازدواج با جواد	مادر شیوا	
شریر	بی مسئولیتی و ترک کردن خانواده	پدر شیوا	
قربانی/شریر	از دست دادن خانواده و عشق به خاطر فقر/فروش مواد مخدر	نصرت	گندم
قربانی	فرار از خانه به خاطر پرهیز از ازدواج اجباری	میترا	
شریر	بی مسئولیتی در برابر خانواده	پدر نصرت	
قربانی	مرگ به خاطر به فقر و بیماری	مادر نصرت	
قربانی	از دست دادن اعضای خانواده بر اثر فقر	حکمت	

تطبیق نظریه پراپ با رمان‌های مؤدب پور

در بررسی روایت‌شناسانه رمان‌های مؤدب پور، توجه به وجود دو روایت اصلی و فرعی و تفاوت‌های موجود میان آنها ضروری است. به طور کلی محور حوادث در این رمان‌ها را می‌توان در چند محور عاشق شدن/ شکست خوردن در روایت اصلی، خوبی کردن/ بدی دیدن در روایت فرعی رمان‌های یاسمین و پریچهر و ستم دیدن/ ستم کردن در روایت فرعی رمان‌های یلدا و گندم خلاصه کرد.

در هر چهار رمان، داستان از نقطه‌ای آغاز می‌شود که در این وضعیت، داستان در حالت تعادل و فارغ از حادثه اصلی و کشمکش قرار دارد. این تعادل اولیه، با وقوع حادثه‌ای که اساس حوادث بعدی را تشکیل می‌دهد، برهم می‌خورد و در پایان، با تمام شدن حوادث و گره‌گشایی، داستان به پایان می‌رسد. پایان داستان در این رمان‌ها از نکات قابل توجه است. چرا که هر چهار رمان، با مرگ، جدایی و تنهایی به پایان می‌رسد که به نوعی بر خلاف الگوی رایج در

قربانی

چنان‌که پیشتر گفته شد، شخصیت اصلی در هر چهار رمان در روایت اصلی و فرعی در نقش قربانی ظاهر می‌شوند. در روایت اصلی علاوه بر شخصیت مرد داستان که شخصیت اصلی و راوی و در حقیقت قهرمان آن است، شخصیت مقابل او که نقش محبوب او را دارد، قربانی به شمار می‌آید. پایان تلخ هر چهار رمان که به ناکامی دو جوان در عشق می‌انجامد، این دو شخصیت را به قربانی تبدیل می‌کند. فرهاد/ فرگل در رمان پریچهر، بهزاد/ فرنوش در رمان یاسمین، سیاوش/ یلدا در رمان یلدا و سامان/ گندم در رمان گندم، نقش قربانی را ایفا می‌کنند.

در روایت فرعی، پریچهر و آقای هدایت‌در دو رمان پریچهر و یاسمین نیز قربانیانی هستند که از سوی شخصیت ستمگر مورد ستم قرار می‌گیرند. شیوا در رمان یلدا و نصرت در رمان گندم که داستان فرعی پیرامون زندگی آنها شکل می‌گیرد، از شخصیت‌هایی هستند که دو خویشکاری را ایفا می‌کنند. این دو شخصیت در آغاز، قربانیانی هستند که مشکلات خانوادگی و اجتماعی، آنها را به بن‌بست می‌کشاند. چنان‌که در ادامه برای گذران زندگی و انتقام گرفتن از جامعه به شخصیت شریر تبدیل می‌شوند.

شریر

شخصیت شریر یا ستمگر در رمان‌های مورد نظر را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: الف) ستمگر صرف بودن یا نبودن؛ ب) به مجازات رسیدن یا نرسیدن.

قصه‌های عامیانه مورد توجه پراپ در نظریه ریخت‌شناسی‌اش و نیز متفاوت از الگوی رایج پایان خوش در رمان‌های عامه‌پسند است.

الگوی شخصیت‌پردازی مؤدب‌پور در این رمان‌ها، الگویی ثابت است. در هر چهار رمان، شخصیت اصلی پسری است که قهرمان داستان نیز هست و داستان از نظرگاه او روایت می‌شود و در هر چهار رمان، پسری دیگر که دوست صمیمی اوست، او را همراهی می‌کند. در هر چهار رمان، با حذف نام این دو پسر و نادیده گرفتن برخی جزئیات، خطوط کلی این شخصیت‌ها ثابت است. به دلیل موضوع اصلی این رمان‌ها که مسائل خانوادگی و عاطفی است، دیگر شخصیت‌های رمان‌ها نیز تقریباً به طور کامل به افراد خانواده و دوستان و نزدیکان شخصیت اصلی محدود می‌شوند.

شخصیت اصلی در هر دو روایت اصلی و فرعی و همچنین معشوق در روایت اصلی، به دلیل ناکامی در عشق و پایان تلخ، قربانی نامیده می‌شوند. نقش شریر در این رمان‌ها از آن کسی است که با کردار خود به قهرمان، آسیب می‌زند و یا اینکه نقش او به طور کلی نقش منفی است. شخصیتی که به قهرمان داستان در کارهایش کمک می‌رساند، یاریگر نامیده می‌شود.

در روایت اصلی، قصه با خویشکاری کمبود یا نیاز آغاز می‌شود که در هر چهار مورد، از نوع نیاز به عروس است. شخصیت اصلی داستان به دختری دل‌می‌بندد که این دلبستگی اساس روایت را شکل می‌دهد.

الف) شخصیت‌هایی همچون هاسمیک و یاسمین در رمان *یاسمین*، شخصیت‌هایی هستند که با خیانت خود به شخصیت اصلی (آقای هدایت) نقش شخصیت شریر را ایفا می‌کنند اما در پایان، هر دو از کرده خود پشیمان می‌شوند و برای جبران اشتباه خود، با خودکشی، خود را مجازات می‌کنند و نقش قربانی را در روایت می‌یابند.

در مورد شیوا و نصرت نیز که از نوع قربانیان ستمگر هستند، نیز پایانی مشابه این دو وجود دارد و آنها نیز پس از پشیمانی از کردار نادرست خود، با خودکشی به دست خود مجازات می‌شوند.

ب) جز شخصیت‌های نام برده، دیگر شخصیت‌های شریر که کردار آنها به آزار شخصیت اصلی می‌انجامد، گاه به مجازات کردار خود می‌رسند و تاوان ستمگری خود را می‌بینند و گاه مجازات درباره آنها اعمال نمی‌شود.

فرج‌الله، شوهر اول پریچهر که به او بدی می‌کند، در سال‌های پایان عمر به فلاکت می‌افتد. پدر پریچهر که محبت پدری را از او دریغ می‌دارد و او را به ازدواجی ناخواسته با مردی که اختلاف سنی چشمگیری با او دارد، وادار می‌کند، بر اثر توطئه‌هایی که در دربار بر ضد او می‌شود، تیرباران می‌شود.

مرد همسایه در رمان *یاسمین* که یاسمین را فریب می‌دهد تا برای خواننده شدن، رو در روی هدایت بایستد و خانه را ترک کند، بر اثر بیماری می‌میرد.

جواد، همسر شیوا در رمان *یلدا* که در زندگی مشترک با شیوا او را بسیار آزار می‌دهد، به جرم دعوا و داشتن مواد مخدر به زندان می‌افتد. تنها نمونه‌هایی که مجازات شریر توسط شخصیت اصلی انجام می‌گیرد، در مورد نامادری پریچهر در رمان *پریچهر* است که پریچهر را بسیار آزار می‌دهد و زمانی که قصد مسموم کردن پدر پریچهر از این موضوع آگاه می‌شود و به پدرش اطلاع می‌دهد. پدر او نیز پس از یقین از درستی موضوع، نامادری را از خانه بیرون می‌کند. نمونه دیگر، در رمان *یاسمین* است که خانم اکرمی، معاون یتیم‌خانه که زن بدطینتی است و آقای هدایت را مورد آزار قرار می‌دهد، هر چند ناخواسته به وسیله هدایت به مجازات می‌رسد. اما تعدادی از شخصیت‌های شریر در رمان‌ها وجود دارند که به مکافات جنایت خود نمی‌رسند، مانند بهرام، پسرخاله فرنوش و مادر فرنوش در رمان *یاسمین* که با آنکه موجب مرگ فرنوش به طور مستقیم و بهزاد به طور غیرمستقیم می‌شوند، مجازات کردار ناشایست خود را نمی‌بینند. در رمان *پریچهر* با آنکه پریچهر می‌داند عشرت، دختر هووی او، با گذاشتن سیم لخت برق در اتاق موجب مرگ پسر کوچک او شده است و به جای آنکه او را مجازات کند، خود را آتش می‌زند.

بخشنامه

نقش بخشنامه در رمان‌های مورد نظر به صورت یاری‌دهنده بروز می‌کند، یعنی به دلیل عدم وجود

ویلون می‌آموزد که آینده او را در مسیری جدید قرار می‌دهد. کلید انبار یتیم‌خانه را که محل نگهداری مواد غذایی است به او می‌دهد و او را تشویق می‌کند که از یتیم‌خانه فرار کند و در آنجا به نوازندگی مشغول شود و این‌گونه زندگی او را در مسیری جدید قرار می‌دهد.

قهرمان دروغین

قهرمان دروغین در این رمان‌ها به صورت عاشق دروغین در دو شخصیت امرالله در رمان پریچهر و روزبه در رمان یلدا تبلور می‌یابد. امرالله، شوهر دوم پریچهر که خود را شیفته او نشان می‌دهد و از او خواستگاری می‌کند، اما پس از ازدواج مشخص می‌شود که دارای زن و چهار دختر بوده است. همچنین، پس از مرگ پسر خود و پریچهر، پریچهر را به بهانه دیوانگی و جنون به تیمارستان می‌برد و تمام محبت‌ها و زحمات او را فراموش می‌کند. روزبه در رمان یلدا نیز جوانی است که به بهانه ازدواج به شیوا نزدیک می‌شود و پس از تجاوز به او و متقاعد کردن او به اینکه هدف او تنها ازدواج است، مدتی را با او می‌گذراند، اما پس از مبتلا کردن او به ایدز، او را رها می‌کند و به خارج از کشور بازمی‌گردد.

نقش بخشنده، نقش او به شخصیت پس از او یعنی یاریگر منتقل می‌شود. از یاری‌دهنده‌های ثابت در این رمان‌ها، شخصیت همراه شخصیت اصلی در روایت اصلی است که در هر چهار رمان، نزدیکی و صمیمیت بسیاری با او دارد و در بیشتر صحنه‌ها همراه او حضور دارد و همواره به عنوان صمیمی‌ترین دوست او، نقش مهمی در یاری رساندن به او دارد. این شخصیت به ترتیب در رمان‌های پریچهر، یاسمین، یلدا و گندم، هومن، کاوه، نیما و کامیار نامیده می‌شود.

شخصیت سهراب خان در رمان پریچهر که مباشر پدر پریچهر است، نقش یاری‌دهنده پریچهر را بازی می‌کند. پدر او را مجبور می‌کند که برای او و برادرش معلمی بگیرد تا به آنها خواندن و نوشتن را بیاموزد. با نامادری او که او را مورد آزار قرار می‌دهد، برخورد می‌کند. بعد از ازدواج او با فرج‌الله که پریچهر را وادار به انجام کارهای غیراخلاقی می‌کند، پدر او را از ماجرا آگاه می‌کند و موجب نجات یافتن او می‌شود.

شخصیت رضا در رمان یاسمین نیز نقش یاری‌دهنده به شخصیت اصلی را دارد. او که در دیوانه‌خانه نزدیک یتیم‌خانه زندگی می‌کند، به او

جدول ۵. شخصیت‌ها و نوع آنها

نوع شخصیت	شخصیت
قربانی	فرهاد/ بهزاد/ سیاوش/ سامان/ فرگل/ فرنوش/ یلدا/ گندم/ پریچهر/ عزت/ سعید/ هدایت/ علی/ میترا/ مادر نصرت/ حکمت
شریر	مادر هومن/ بهرام/ مادر فرنوش/ فرج‌الله/ امرالله/ عشرت/ پدر پریچهر/ خانم اکرمی/ مرد همسایه/ جواد/ روزبه/ پدر و مادر شیوا/ پدر نصرت

یاریگر	هومن / کاوه / سهراب خان
یاریگر / قربانی	کامیار
قربانی / شریر	یاسمین / شیوا / نصرت
یاریگر / بخشنده	رضا

جدول ۶. انواع شخصیت و عملکرد آنها

عملکرد	نوع شخصیت
ناکامی در عشق / مورد تجاوز قرار گرفتن / ابتلا به ایدز / داشتن هوو / ازدواج ناخواسته / بی توجهی همسر / مرگ نابهنگام بر اثر فقر یا بیماری / خیانت همسر / فرار از خانه / از دست دادن اعضای خانواده بر اثر فقر	قربانی
آزار همسر / قتل / ستم به بچه‌های یتیم / خیانت / تجاوز / برملا کردن راز / بی توجهی به خانواده	شریر
همراهی و همدلی با قربانی / نجات دادن قربانی از مشکلات	یاریگر
دوست و همراه قربانی / بچه سر راهی	یاریگر / قربانی
بیماری و کودکی سخت؛ خیانت به همسر / ازدواج ناخواسته، طلاق و ابتلا به ایدز؛ مبتلا کردن مران به ایدز / از دست دادن خانواده و عشق به خاطر فقر؛ فروش مواد مخدر	قربانی / شریر
آموزش نواختن ویلون به قربانی؛ بخشیدن ویلون به او	یاریگر / بخشنده

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه از مقایسه و تطبیق رمان‌های مؤدب‌پور با نظریه ریخت‌شناسی پراپ به دست می‌آید، قابلیت تطبیق این رمان‌ها را در کلیت با آنچه پراپ در بررسی ریخت‌شناسانه قصه‌های عامیانه روس به آن دست یافت، نشان می‌دهد.

الف) ساختار هر چهار رمان، ساختار یکسانی است که با یک روایت اصلی آغاز و در میانه به روایتی فرعی می‌رسد و سرنوشت شخصیت‌ها در دو روایت با یکدیگر گره می‌-

خورد و در نهایت با مرگ، ناکامی و جدایی پایان می‌گیرد.

ب) تعداد خویشکاری‌ها در این رمان‌ها محدود و به سه محور عاشق شدن / شکست خوردن، ستم دیدن / ستم کردن، بدی دیدن / خوبی کردن محدود می‌شود.

ج) توالی و تسلسل کارها یکسان است. پسری عاشق دختری می‌شود اما در اثر موانع گوناگون و با وجود کوشش‌های بسیار و تحمل سختی‌ها، این وصال صورت نمی‌گیرد (روایت

کاربرد الگوی روایی مشابه با وجود تنوع شخصیت‌هاست.

منابع

اخوت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: فردا.

استوری، جان (۱۳۸۳). «داستان‌های عامه‌پسند». *ارغنون*. ترجمه حسین پاینده. شماره ۲۵، ص ۲.

اسکولز، رابرت (۱۳۷۹). *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر آگاه.

پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
جوادی یگانه، محمدرضا؛ ارحامی، آسیه (۱۳۹۰). کیفیت خوانش رمان‌های عاشقانه عامه‌پسند توسط زنان. *زن در فرهنگ و هنر*. دوره دوم، شماره ۴، ص ۸.

دنیای اقتصاد (۱۳۸۵). *رمان‌های پر فروش ایرانی در ۱۴ سال گذشته*. ۴ شهریور ۱۳۹۰.

ذوالفقاری، حسن (بهار و تابستان ۱۳۸۹). «ریخت‌شناسی افسانه عاشقانه گلبکاولی». *فنون ادبی دانشگاه اصفهان*. شماره ۱، سال ۲، پیاپی ۲، صص ۶۲-۴۹.

سبزیان، سعید (۱۸ تیر ۱۳۹۰). *رمان‌های عامه-پسند و ضدیت با ادبیات*. فرهیختگان.

سرامی، قدمعلی (۱۳۸۶). *از رنگ گل تا رنج خار: شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

اصلی هر چهار رمان؛ قهرمان در اثر بدی‌هایی که در زندگی از مردم می‌بیند، از شخصیت بی‌آزار ابتدایی فاصله می‌گیرد و با انجام اعمال غیر اخلاقی به انتقام گرفتن از آنها می‌پردازد و در پایان با پشیمانی از اعمال خود، خود را مجازات می‌کند (روایت فرعی رمان‌های *یلدا* و *گندم*) و یا قهرمان از آغاز، زندگی را با سختی شروع می‌کند و حوادث گوناگونی که در زندگی او روی می‌دهد، حوادث تلخی است که او را در بدبختی و انزوا فرو می‌برد و با مرگ قهرمان پایان می‌پذیرد (روایت فرعی رمان‌های *پریچهر* و *یاسمین*).

تطبیق این رمان‌ها با الگوی ریخت‌شناسی پراپ، بیانگر سادگی روایی این آثار و مشابهت ساختاری آنها به قصه‌ها به عنوان نمونه‌ای از رمان‌های پر فروش عامه‌پسند است. این مشابهت ساختاری با قصه‌ها و محدود بودن خویشکاری-ها، دلیل بر ضعف ساختار این رمان‌هاست، زیرا یک رمان قوی، نباید تا این اندازه به قصه‌ها شبیه باشد و از طرف دیگر، همین سادگی و قصه‌گویی می‌تواند در جلب نظر و رضایت مخاطب عام از این رمان‌ها تا اندازه زیادی مؤثر باشد. با این حال باید در نظر داشت که تطبیق کامل الگویی منطبق بر قصه‌های عامیانه با رمان امروز به‌طور کامل، امری دشوار و به عبارت دیگر، غیر ممکن است؛ چراکه ساختار رمان امروز، با ساختار ساده قصه-های عامیانه بسیار متفاوت است، اما چنان‌که دیده شد، رمان‌های مورد نظر به عنوان نمونه‌ای از رمان عامه‌پسند، تا حد زیادی قابلیت این انطباق را دارند که بیانگر ساختار ساده و قصه‌گون و

- شمیسا، سروش (۱۳۸۳). *نقد ادبی*. تهران: فردوس. چاپ چهارم.
- صالحی‌نیا، مریم (۱۳۸۸). «کلیاتی درباره‌ی روایت-شناسی ساخت‌گرا». *فصلنامه هنر*. شماره ۸۱، صص ۱۹-۲۱.
- صفایی، علی؛ مظفری، کبری (۱۳۸۸). «بررسی توصیفی، تحلیلی و انتقادی رمان‌های عامه-پسند ایرانی». *ادب پژوهی*. شماره ۱۰، صص ۱۳۴.
- علی‌احمدی، امید (۱۳۸۶). *مصرف ادبیات داستانی ایرانیان*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ میرفخرایی، تژا (۱۳۸۴). «تصویر زن در رمان‌های عامه‌پسند ایرانی». *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*. سال اول، شماره ۱.
- کیان‌پور، مسعود؛ نجفی، زهره؛ کاظمی، مینا (۱۳۹۲). «بررسی میزان و علل گرایش به رمان عامه‌پسند (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان)». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۴۵.
- مارتین، والاس (۱۳۸۲). *نظریه‌های روایت*. ترجمه محمد شهباز. تهران: هرمس.
- مؤدب‌پور، مرتضی (۱۳۸۴ الف). *پریچهر*. تهران: نسل نواندیش. چاپ بیستم.
- _____ (۱۳۸۴ ب). *یاسمین*. تهران: شادان. چاپ هجدهم.
- _____ (۱۳۸۴ ج). *یلدا*. تهران: شادان. چاپ سیزدهم.
- _____ (۱۳۸۵). *گندم*. تهران: علم. چاپ یازدهم.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۲). *ادبیات داستانی*. تهران: علمی. چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۸۷). *راهنمای داستان‌نویسی*. تهران: سخن.

Narratology of Popular Novels

Z. Najafi^{*} / M. Mohammadi Fesharaki^{**} / M. Kazemi^{***}

Receipt:

2016/Sep/19

Acceptance:

2018/April/24

Abstract

Narratology as a new approach in the contextology has linked to the Formalists theories. Vladimir Propp, Russian Folklorist, is the first person who introduced modern narratology, by studying the Russian vulgar stories in a structuralistic approach. He understood that vulgar stories within a wide variety of narrations were limited to seven kinds of characters or heroes and thirty one functions that follow always after each other in a same progression regularly. His achievements in this research were a new way for narrators that will come after him. In this article, due to the simple structure of the general and folklore stories, four stories "Parichehr", "Yasamin", "Yalda" and "Gandom" by Moaddabpour Poor which are the prominent and bestseller novels in the markets of general and popular books have been chosen as the samples of this study to investigate and compare their abilities with Prop's morphology theory. The final results are similar to Prop' study. It shows that the number of their characters and actions are limited and they come in a similar succession after each other regularly. Indeed, the popular novels along with their heterogeneities and limitations within Prop's Theory have morphological compatible structure.

Keywords: Narratology, Morphology, Prop, Popular Novel, Morteza Moaddabpour.

* Assistant Professor, Persian Language and Literature, Isfahan University. Email: z.najafi@ltr.ui.ac.ir

** Assistant Professor, Persian Language and Literature, Isfahan University. Email: m.mohammadi@ltr.ui.ac.ir

*** M. A. of Persian Language and Literature, Isfahan University (Corresponding Author).
Email: mina_kzm@ymail.com